

## بررسی امکان تعدیل قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم اقتصادی

سیدعبداله رضوی\*

استادیار گروه اقتصاد و مدیریت انرژی دانشکده نفت تهران، دانشگاه صنعت نفت

مریم آقایی

کارشناسی ارشد حقوق دانشکده فقه و حقوق دانشگاه مذاهب اسلامی تهران

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۰/۲۲ - تاریخ تصویب: ۱۳۹۹/۶/۳۰)

### چکیده

تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم از مفاهیم حقوقی-اقتصادی است که در نتیجه تحریم‌های اخیر حادث شده است. با توجه به مفاهیم حقوقی و اقتصادی ارائه شده برای تعدیل قرارداد در شرایط اعمال تحریم، به نظر می‌رسد کاهش ارزش نفت مبنای مناسبی است. اما تعدیل قضایی قراردادها در نظام حقوقی ایران، جز در موارد خاص و استثنایی مورد پذیرش قرار نگرفته است. کاهش ارزش نفت نیز با توجه به ماهیت آن ضمان‌آور و قابل جبران است. اما نکته مهم این است که قبل از بررسی تعدیل، امکان حفظ قرارداد با همان ماهیت قبلی وجود داشته باشد. بنابراین، ممکن است در برخی موارد تعدیل قابل توجه نباشد. با توجه به نبود نظام جامع قراردادهای اداری در حقوق ایران و نامشخص بودن جایگاه عوامل پیدایش تعدیل در قراردادهای اداری، تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم، موضوعی بحث‌برانگیزتر است که ابعاد آن در این مقاله بررسی می‌شود.

### واژگان کلیدی

تحریم، تعدیل قضایی، تعدیل، پیمانکاری نفتی، قراردادهای نفتی.

### مقدمه

بازگشت تحریم‌های ثانویه آمریکا در هجدهم اردیبهشت‌ماه ۱۳۹۷، باعث ایجاد نظم حقوقی جدیدی درباره فعالیت‌های سرمایه‌گذاری و تجاری با ایران، به‌ویژه در صنعت نفت و گاز شده است. تحریم‌هایی که هدف آن، افراد و شرکت‌های غیرآمریکایی بوده و به صورت فراسرزمینی، از یکسو، همه کنشگران و فعالان مرتبط با بازار ایران و از سوی دیگر، قراردادهای پیمانکاری نفتی را هدف قرار می‌دهد. تعدیل در قرارداد یکی از موضوعات مهم و بحث‌انگیز قواعد عمومی قراردادهاست که در حقوق اداری برخی کشورها، به‌ویژه فرانسه، در قراردادهای اداری، برخلاف قراردادهای خصوصی، به علت بلندمدت بودن این نوع قراردادها و شرایط خاص انعقاد آن‌ها و به‌منظور تأمین منافع عمومی پیش‌بینی شده است. اما در نظام حقوقی ایران، جز در موارد اندک و استثنایی مورد پذیرش قرار نگرفته است. پیش‌بینی تعدیل در این نوع قراردادها با توجه به نبود نظام جامع قراردادهای اداری در حقوق اداری ایران و نامشخص بودن جایگاه عامل اصلی پیدایش تعدیل در قراردادهای اداری، بحث‌انگیزتر است و تاکنون مورد بحث و بررسی قرار نگرفته است که ابعاد آن در این مقاله بررسی خواهد شد.

تعدیل در لغت عبارت است از برابر کردن چیزی با چیزی (ابن‌منظور، ۱۴۰۵: ۱۵). همچنین به معنای کاستن از شدت و حدت چیزی یا عملی (دهخدا، ۱۳۷۷: ۴۱) به‌کار می‌رود. در اصطلاح حقوقی نیز تعدیل قرارداد، عنوانی است برای اصلاح و تغییری که در قراردادها بدون استناد به توافق طرفین عقد، انجام می‌شود (هاشمی‌شاهرودی، ۱۳۷۸: ۱۲۵).

ویژگی اصلی قراردادهای مستمر آن است که میان زمان انعقاد قرارداد تا زمان تکمیل اجرای آن فاصله زیادی وجود دارد. از طرفی، شرایط و اوضاع و احوال موجود هنگام انعقاد قرارداد تا پایان ثابت نمی‌ماند. بنابراین، در موارد بسیاری دیده می‌شود که بروز حوادث پیش‌بینی‌نشده در روند اجرای قرارداد، باعث به هم خوردن تعادل و توازن اقتصادی آن می‌شود؛ به‌گونه‌ای که اجرای دقیق مفاد آن به متضرر شدن یکی از طرفین و در مقابل، سود سرشار طرف دیگر می‌انجامد. در چنین مواردی، بحث امکان و چگونگی متعادل ساختن نظم به هم خورده قرارداد و به اصطلاح تعدیل مفاد قرارداد مطرح می‌شود.

در نظام حقوقی کشورهای مختلف، به‌منظور توجیه «تعدیل قضایی»<sup>۱</sup> به مبانی مختلفی استناد شده است که مهم‌ترین آن‌ها، «نظریه عدم پیش‌بینی» یا «تغییر در اوضاع و احوال» است. علت این نام‌گذاری برای نظریه مذکور آن است که گاهی اوضاع و احوال حاکم بر زمان انعقاد قرارداد، در نتیجه امور غیرقابل پیش‌بینی به‌گونه‌ای دگرگون می‌شود که موجب بروز ضرر

نامتعارف برای یکی از طرفین قرارداد می‌گردد که در این صورت، «نظریه عدم پیش‌بینی»، این اجازه را به قاضی می‌دهد که با شیوه مناسب در قرارداد وارد شده و مفاد قرارداد منعقد شده میان متعاملین را بازبینی و عدم توازن حادث شده را جبران کند. البته منظور از امور غیرقابل پیش‌بینی حادث شده، آن است که تنها متعهد را در معرض خسارت نامتعارف قرار دهد، نه اینکه اجرای قرارداد را ناممکن ساخته و در نهایت باعث از بین رفتن تعهدات قراردادی شود.

یک روند ثابت در صادرات نفت کشورهای دارای میادین نفتی، انعقاد قراردادهای پیمانکاری نفتی است. با توجه به بازگشت تحریم‌های ثانویه آمریکا و ایجاد نظم حقوقی جدید در مورد فعالیت‌های سرمایه‌گذاری، به‌ویژه در صنعت نفت و گاز، ماهیت قراردادهای پیمانکاری نفتی هدف تحریم‌ها واقع می‌گردد و این مشکل موجب می‌شود هریک از دولت‌های طرفین این قراردادها به‌گونه‌ای متضرر شوند. آنچه در این پژوهش مورد بررسی قرار می‌گیرد این است که با توجه به ضمان‌آوری و قابل جبران بودن ارزش نفت، آیا امکان تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم وجود دارد؟ آیا تعدیل تنها در قراردادهای پیمانکاری نفتی پایین‌دستی قابل اعمال است یا شامل قراردادهای پیمانکاری نفتی بالادستی نیز می‌شود؟ مبنای فقهی و حقوقی تعدیل قضایی قراردادهای نفتی در ایران چیست؟ نقش تحریم با توجه به ماهیت آن (فورس‌ماژور<sup>۱</sup> یا به عبارتی، تعذر، قوه قاهره و غیر آن) در تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی چیست؟ و آیا این تعدیل به نفع پیمانکار است یا کارفرما؟

مسئله مورد بررسی از این نظر دارای اهمیت است که نوسان‌های شدید قیمت‌ها که می‌تواند موجب مخدوش شدن تعادل عوضین قرارداد، به‌ویژه در قراردادهای بلندمدت، نظیر قراردادهای پیمانکاری شود از سویی و حدوث تحریم‌های شدید نفتی از سوی دیگر، ایجاد می‌کند برای به حد معقول رساندن خطر ناشی از هزینه‌های پیش‌بینی نشده برآمده از تحریم‌ها و نوسان قیمت در مواد اولیه و نیروی انسانی، نظام تعدیل قرارداد طراحی شود.

## ۱. ادبیات نظری پژوهشی

### ۱.۱. قواعد حقوقی حاکم بر تعدیل قضایی قرارداد

در نظام حقوقی ایران، نویسندگان حقوقی‌ای که مسئله تعدیل قرارداد را بررسی کرده‌اند، به چند قاعده یا نظریه در توجیه این امر استناد نموده‌اند که عبارت‌اند از: نظریه شرط ضمنی، غبن حادث، قاعده نفی عسرو حرج و قاعده میسور. در گفتار نخست مقاله پیش‌رو، به بررسی این چهار قاعده حقوقی و توان هریک از آن‌ها در توجیه تعدیل و تغییر مفاد قرارداد می‌پردازیم.

### ۱.۱.۱. نظریه شرط ضمنی

از آنجاکه عرف روشن‌کننده محدودۀ الزام متعاقدين است، ذکر تمام خواسته‌های متعاقدين در زمان انعقاد قرارداد ضروری نیست. بنابراین، چنانچه با بروز حادثه‌ای غیرمترقبه، آنچه به طور متعارف جزء شرایط ضمنی یا بنایی بوده است، دگرگون شود و تعادل و توازن قراردادی را به هم بزند، آیا با استناد به شرایط ضمنی، می‌توان التزام به عقد را مبتنی بر اوضاع و احوال زمان عقد دانست؟ به سخن دیگر، آیا می‌توان التزام متعاملین را خدشه‌دار کرد و قائل به تعدیل شد؟ (مرادی، ۱۳۹۲: ۳۲۲).

باین حال، باید توجه داشت که به استناد شرط ضمنی احتمالی مبنی بر ثبات وضعیت زمان انعقاد قرارداد، نمی‌توان با اصل الزام‌آور بودن قرارداد به مخالفت برخاست. در واقع، اصل در قرارداد، الزام‌آور بودن آن است و تنها در صورت یقین بر از میان رفتن این لزوم، می‌توان از آن عدول کرد. از طرفی، به باور برخی از حقوق‌دانان، فرض چنین شروطی امکان‌پذیر نیست؛ زیرا طرفین زمان انعقاد قرارداد، وقوع اوضاع و احوال استثنایی که شرایط اجرای قرارداد را به طور کلی دگرگون کند، احتمال نمی‌دهند تا با لحاظ این احتمال بتوانند به چنین ضمانت‌اجرایی استناد کنند (به نقل از: بیگدلی، ۱۳۹۴: ۱۵۵).

بنابراین، شرط ضمنی که احتمال وجود آن در چنین مصادیقی به آسانی تصورشدنی نیست، مستند تعدیل قرارداد واقع نمی‌شود و شرط ضمنی توجیه مناسبی برای تعدیل قرارداد به‌شمار نمی‌رود.

### ۱.۱.۲. نظریه غبن حادث

بر اساس نظریه غبن حادث، همان‌گونه که عدم تعادل فاحش عوضین در زمان ترازی می‌تواند موجب خیار غبن برای زیان‌دیده باشد، اگر وقوع حوادث غیرقابل پیش‌بینی در زمان اجرای عقد نیز تعادل عرفی تعهدات طرفین را دچار اختلال سازد، امکان تعدیل یا فسخ قرارداد وجود خواهد داشت.

برخی از حقوق‌دانان برآنند که مبنای اصلی خیار غبن جلوگیری از ضرر زیان‌دیده است (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۱۱۰). البته گفتنی است که هرچند بیشتر فقها، لاضرر را مبنای خیار غبن می‌دانند، باور دارند که معیار افزایش یا کاهش قیمت، زمان انعقاد قرارداد است، نه زمان اجرای آن و حتی بر این مسئله ادعای اجماع هم کرده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۷۵؛ قمی، ۱۳۷۱: ۵۰۰؛ انصاری، ۱۴۱۵: ۱۷۹). بنابراین، درباره این نظریه باید گفت، حتی اگر استناد به غبن، افزون بر زمان انعقاد قرارداد، در زمان اجرای آن نیز پذیرفته شود، نتیجه‌ای که به دست می‌دهد، صرفاً دادن حق فسخ به زیان‌دیده است، نه تعدیل قرارداد.

### ۱.۱.۳. قاعده نفی عسرو حرج

قاعده نفی عسرو حرج یکی از قواعد مهم و اساسی حقوق اسلام است که افزون بر جریان آن در بسیاری از ابواب فقه، در قوانین موضوعه نیز تجلی یافته است.

عسر به ضم «عین»، اسم مصدر و به معنای شدت و ضیق است (دهخدا، ۱۳۷۷، ج ۲۲: ۱۲۶). حرج به فتح «حاء» و «راء»، اسم مصدر به معنای تنگی و ضیق است (همان، ج ۹: ۳۲).

با توجه به مفهوم لغوی واژگان عسرو حرج، مفهوم قاعده این است که هرگاه انجام تکلیفی برای مکلف با مشقت و سختی تحمل‌ناپذیر همراه شود، انجام دادن آن از عهده مکلف ساقط می‌شود. در واقع، اگر در قراردادی بلندمدت، در هنگام اجرای عقد حوادثی روی دهد که قابل پیش‌بینی و پیشگیری نبوده و باعث مشقت‌بار شدن اجرای تعهد برای متعهد شود، به گونه‌ای که این مشقت قابل تحمل نباشد، در این صورت وصف الزام‌آور عقد از بین می‌رود و اصولاً متعهد باید بتواند به قاعده مذکور استناد و صدور حکم به تعدیل یا فسخ قرارداد را از دادرس مطالبه کند. با توجه به اینکه این قاعده بر دیگر قواعد و احکام اولیه حکومت دارد، بنابراین قاعده بر اصل لزوم حاکم و لزوم اجرای تعهد از عهده متعهد برداشته می‌شود که نتیجه آن، فسخ یا تعدیل قرارداد است.

با این اوصاف، امکان فسخ قرارداد توسط متعهد در صورت بروز حوادث پیش‌بینی‌ناپذیر با قاعده نفی عسرو حرج سازگاری بیشتری دارد. هرچند قاعده نفی عسرو حرج نسبت به نظریه شرط ضمنی و غبن حادث، توان بالاتری در توجیه تعدیل قضایی دارد، بیشتر فقها جنبه اثباتی آن را نپذیرفته‌اند و استناد به این قاعده از باب تعدیل با مشکلات پرشماری همراه است.

### ۱.۱.۳.۱. قاعده میسور

از دیگر قواعد فقهی، قاعده میسور است که هم در عبادات و هم در معاملات جریان دارد.

میسور اسم مفعول از یسر (الزبیدی، ۱۴۱۴: ۶۳۴) (به ضم عین) متضاد معسور و به معنای سهل و آسان است (همان؛ جوهری، ۱۴۰۴: ۸۵۷). و در روایت است: «ان هذا الدین یسر»؛ یعنی دینی که بر پیروانش سخت نمی‌گیرد (همان).

با توجه به مفهوم لغوی واژه میسور باید اذعان کرد مضمون قاعده این است که هرگاه انجام دادن تکلیفی به صورت کامل با تمام اجزا و شرایط یا تمام مصادیق آن، دشوار یا ناممکن شود، به‌جا آوردن بخشی از آن که برای مکلف ممکن و مقدور است، از عهده او ساقط نمی‌شود. به سخن دیگر، هرگاه انجام تکلیفی برای مکلف مشکل باشد یا نتواند به طور کامل انجام دهد، آن تکلیف به طور کلی ساقط نمی‌شود، بلکه باید آن اندازه که ممکن و مقدور باشد، انجام دهد (محمدی، ۱۳۹۵: ۲۸۲).

بنابراین، با توجه به آنچه گذشت، هدف قاعده میسور، رفع اصل تکلیف نیست، بلکه هدف آن برداشتن بخشی از تکلیف است که انجام آن برای متعهد مقدور نیست. پس فقط مقدار معسور تکلیف را ساقط کرده یا تکلیف میسوری جایگزین آن را بر مکلف بار می‌کند و این همان تعدیل قرارداد است. بنابراین، استناد به این قاعده با اصل لزوم قرارداد منافاتی ندارد؛ زیرا به متعهد اجازه فسخ قرارداد را نمی‌دهد، بلکه او را ملزم می‌سازد تا به قدر توانش به تعهد عمل کند. تشخیص میزان توان متعهد در اجرای قرارداد نیز با دادرسی است که با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان قرارداد و اجرای آن و همچنین با لحاظ وضعیت متعهد و متعهدله، قرارداد را بازبینی و به تعدیل آن حکم می‌کند. بنابراین، قاعده میسور به عنوان مبنای تعدیل در حقوق ایران مطرح می‌شود.

### ۲.۱. قراردادهای پیمانکاری نفتی

با توجه به مطالبی که در بخش نخست این مقاله بیان شد و طبق تعریفی که پیش‌نویس شرایط عمومی پیمان از تعدیل نرخ پیمان ارائه داده است - که به دلیل کاستی‌هایش به تصویب سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی نرسیده است - تعدیل عبارت است از: «به‌روزرسانی قیمت‌های اولیه پیمان برای انجام کار از طریق شاخص‌های منتشرشده از سوی بانک مرکزی یا شاخص‌های تعدیل منتشره از سوی معاونت». تعدیل به معنای به‌روزرسانی قیمت اولیه پیمان به علت افزایش یا کاهش هزینه‌های نیروی انسانی و یا کالا و خدمات است. در نتیجه، تعدیل طبق این تعریف، تغییر در کمیت نیست، بلکه تغییر در قیمت اقلام، اجناس و نیروی انسانی مورد استفاده برای اجرای موضوع قرارداد است. به سخن دیگر، هرگاه در پیمان، نرخ تعدیل آحاد بها پیش‌بینی شده باشد، یا پیمان مشمول تعدیل آحاد بها باشد، ناگزیر پس از سپری شدن مدت مقرر، به دلیل افزایش یا کاهش قیمت مواد اولیه و نیروی انسانی، نرخ پیمان نیز دستخوش تغییر شده و قیمت پیش‌بینی شده در قرارداد، به‌روزرسانی می‌گردد و این امر باعث می‌شود پیمانکار در اثر تورم قیمت‌ها از مقدار اجرت خود متضرر نشود و ریسک ناشی از انعقاد قرارداد با اجرای بلندمدت، میان پیمانکار و کارفرما به اشتراک گذاشته شود (اسماعیلی

## ۲. بررسی امکان تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم‌ها در ایران

### ۲.۱. قراردادهای پیمانکاری نفتی

پرسش کلیدی در این بخش، این است که آیا امکان تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم‌ها در ایران وجود دارد؟ در پاسخ باید گفت قراردادهای پیمانکاری نفتی به دو دسته قراردادهای بالادستی نفت و قراردادهای پایین‌دستی تقسیم می‌شود. قراردادهای پیمانکاری بالادستی، به اکتشاف، توسعه و تولید نفت می‌انجامد. قراردادهای پایین‌دستی، فعالیت‌های غیر از اکتشاف، توسعه و تولید را دربرمی‌گیرند؛ برای مثال، ساخت مخازن استراتژیک، ذخیره‌سازی، ساخت خط لوله و تأسیسات سرچاهی، جزء این دسته از قراردادهای نفتی است.

این دو دسته از قرارداد، ماهیتاً متفاوت از یکدیگرند و تعدیل قضایی در آن باید به طور مجزا بررسی شود. از آنجاکه ماهیت قراردادهای بالادستی، سرمایه‌گذاری است و قراردادهای سرمایه‌گذاری مبتنی بر ریسک است و سرمایه‌گذار، هزینه‌ها و سود خود را از محل نفت تولیدی آتی به دست می‌آورد، اگر نفت کشف نشود یا به میزان تجاری نباشد، سرمایه‌گذار استحقاق دریافت هزینه‌های انجام‌شده را نخواهد داشت. افزون‌براین، پیش‌بینی سرمایه‌گذار یا پیمانکار صرفاً مبتنی بر احتمالات است و اگر محقق نشود نمی‌توان هیچ خسارتی را از کارفرما مطالبه کرد. بنابراین، به طریق اولی، امکان تعدیل قضایی وجود نخواهد داشت؛ زیرا اصلاً معلوم نیست چقدر نفت تولید خواهد شد و حتی اگر نفت بسیار زیادی از این میدان تولید شود و قیمت نفت نیز بسیار افزایش یابد، بیش از استحقاق قراردادی به پیمانکار پرداخت نخواهد شد. بنابراین، امکان تعدیل قضایی در قراردادهای سرمایه‌گذاری بسیار دشوار خواهد بود.

در قراردادهای پیمانکاری پایین‌دستی، دامنه کار مشخص است و هزینه هر نوع فعالیت، اعم از طراحی، خرید و اجرا نیز در قرارداد معین می‌شود. در این بحث، امکان تعدیل قضایی قرارداد وجود خواهد داشت؛ زیرا ما با عقدی مغایه‌ای روبه‌رو هستیم و عوضین آن مشخص است و تحریم (با توجه به ماهیت آن تعذر یا غیره) می‌تواند مورد بحث واقع شود و در نتیجه، برای تضمین اجرای منصفانه و عادلانه تعهدات، به تدوین شیوه‌هایی همچون شرط تعدیل قیمت اقدام کنند. سازوکار تعدیل قیمت قرارداد، راهکاری است برای جبران و به حد معقول رساندن ریسک ناشی از هزینه‌های پدیدآمده از تغییرات نامتعارفی مانند نوسانات قیمت مواد اولیه و دستمزد نیروی انسانی و به طور کلی مخاطراتی که هم قرارداد را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد و هم اینکه منطقه خطری را برای پیمانکار ایجاد می‌کند که به خاطر افزایش در هزینه

مصالح و دستمزد نیروی انسانی، کار ساخت و ساز کاهش یافته و فرایند مناقصه رقابتی تر شده است (رحیمی ۱۳۹۶: ۱۷۱).

## ۲.۲. تحریم

### ۲.۲.۱. اصطلاح‌شناسی و تعریف تحریم

دیدگاه‌ها و تعاریف مختلفی از «تحریم» توسط دانشمندان علوم مختلف اجتماعی ارائه شده، اما هیچ‌گاه درباره آن اتفاق نظر شکل نگرفته است. «تحریم» در فرهنگ لغت و اصطلاحات به معنای اجازه دادن و تصویب کردن، مجازات، جریمه و ضمانت‌اجرائی، آمده است (نوروزی خیابانی، ۱۳۹۴: ۴۶۱). دایره‌المعارف بریتانیکا زیر عنوان «Sanction» و «Guarantee» می‌نویسد: «Sanction» و «Guarantee» در حقوق بین‌الملل وسایلی هستند که از طریق اقدامات دسته‌جمعی دولت‌ها برای تضمین قواعد و مقررات حقوق بین‌الملل به کار می‌روند که ممکن است از آرای تویخ‌آمیز و انتقادی دولت‌ها در سازمان‌های بین‌المللی علیه دولت دیگر آغاز شود و به تحریم اقتصادی، یا استفاده از نیروی نظامی بینجامد. در جایی دیگر، درباره این لغت آمده است: Sanction به معنای ضمانت‌اجرا یا مجازات‌ها، «اقدامات تنبیهی سیاسی، اقتصادی یا نظامی هستند که از طریق نظام امنیت دسته‌جمعی علیه ناقضان حقوق بین‌الملل اعمال می‌گردد» (گزارش سایت توسکالیتانوز، ۲۰۱۰).

تحریم در اصطلاح عبارت است از: امتناعی نظام‌یافته از برقراری روابط اجتماعی، اقتصادی، سیاسی یا نظامی یک دولت یا گروهی خاص از دولت‌ها برای تنبیه یا ایجاد رفتار مورد قبول. با وجود این، کاربرد آن بیشتر در روابط اقتصادی بین‌المللی رایج است و حسب مورد خریداری یا فروش کالاها و خدمات تولیدی یا مورد تقاضای یک دولت خاص از او دریغ می‌شود. تحریم، ممکن است عام، یعنی شامل همه کالاها و خدمات یا خاص و محدود به یک نوع یا دسته خاصی از کالاها باشد (ایوانز، ۱۳۸۱: ۹۶).

بیان این نکته ضروری است که هرچند عنصری از تنبیه در تحریم‌ها وجود دارد، اما وضع آن صرفاً به منظور ایجاد شرایط دشوار برای مردم کشور مورد تحریم نیست، بلکه در پی ایجاد تغییراتی در رفتار سیاسی دولت آن کشور است. عده‌ای نیز مهم‌ترین کارکرد تحریم را بازدارندگی می‌دانند (ظریف، ۱۳۷۶: ۹۲).



## ۲.۲.۲. انواع تحریم

تحریم‌ها از سه جنبه با هم متفاوت‌اند: ۱. هدف؛ ۲. مخاطب؛ ۳. روش تحریم‌ها. تحریم‌ها براساس اهداف، به دو نوع تقسیم می‌شوند: اول) تحریم با هدف راهبردی: در این حالت، منافع راهبردی یک کشور در خطر قرار دارد که در این صورت تحریم جایگزین جنگ می‌شود. هزینه‌اش از جنگ کمتر و برای کشور یا کشورهای اعمال‌کننده کاملاً قابل توجیه است؛ دوم) تحریم با هدف تغییر رفتار: در این حالت، تحریم همه‌جانبه نخواهد بود و تغییر رژیم و بی‌ثبات کردن آن مورد نظر نیست (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵-۶).

از نظر مخاطب، تحریم به سه نوع تقسیم می‌شود: اول) تحریم یک‌جانبه: در این نوع، کشور فرستنده تحریم براساس تصمیم یک‌طرفه خود، تحریم را اعمال می‌کند؛ دوم) تحریم چندجانبه: از سوی چند کشور علیه کشور هدف اعمال می‌شود؛ سوم) تحریم سازمان ملل: به وسیله شورای امنیت اعمال می‌شود.

از دیدگاه حقوق بین‌الملل، تحریم به منزله مجازات کشورهایی است که عضو جامعه بین‌المللی هستند. این کار عموماً از عهده سازمان‌هایی برمی‌آید که براساس منشور ملل متحد صلاحیت دارند تا مجازات‌هایی را علیه کشورهای دارای حاکمیت ملی وضع کنند و تنها ارگانی که چنین صلاحیتی را دارد، شورای امنیت سازمان ملل متحد است. بنابراین، تحریم به منزله مجازات فقط همان قطعنامه‌های شورای امنیت سازمان ملل را دربرمی‌گیرد. اما تحریم‌های دیگر که در ادبیات سیاسی نیز مرسوم است، شاید از لحاظ حقوقی تحریم به معنای واقعی، «قانون دولت» نباشد، بلکه این موارد و موضوعات را عمل یا رفتار دولت می‌نامند. به سخن دیگر، این‌ها قوانین داخلی هستند که قلمرو اجرای بین‌المللی پیدا می‌کنند (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۶).

تحریم‌ها از نظر روش یا رفتار دولت به دو نوع تقسیم می‌شوند: اول) تحریم اولیه: چنانچه تحریم تنها به روابط دو کشور مربوط شود، به طوری که کشوری از برقراری تجارت یا تبادل خدمات یا سایر روابط اقتصادی و اجتماعی با کشوری دیگر خودداری ورزد، این تحریم در اصطلاح «تحریم اولیه یا ابتدایی» خوانده می‌شود که دامنه شمول آن محدود است؛ دوم) تحریم ثانویه: گاهی کشوری ممکن است دامنه تحریم را گسترش دهد و از برقراری روابط بازرگانی، مالی و سایر روابط با دیگر کشورهایی که با کشور مورد تحریم دارای روابط هستند، خودداری کند که در اصطلاح تحریم ثانویه نامیده می‌شود.

### ۲.۲.۳. مقایسه تعذر و سایر معاذیر قراردادی با تحریم

رکن اصلی در همه پیمان‌ها، استواری و لزوم وفای به آن‌هاست. این اصلی است که بر پایه تأمین مصلحت اجتماعی و حفظ امنیت تجاری و اقتصادی بنیان نهاده و به رسمیت شناخته شده است. با وجود این، اصل لزوم قراردادها نیز مانند دیگر قواعد حقوقی و اجتماعی از گزند ضرورت‌ها در امان نیست و نباید آن را مطلق پنداشت. نیازهای انکارناپذیر و ضرورت‌های زندگی اجتماعی، خود را بر این قاعده هم تحمیل می‌کند و استثنائاتی را بر آن وارد می‌سازد. در نتیجه، باید پذیرفت در برخی موارد که در اصطلاح معاذیر قراردادی نامیده می‌شود، اصل لزوم قراردادها تخصیص خورده و نیروی الزام‌آور عقد از میان می‌رود.

در حقوق ایران اصطلاح قوه قاهره به کار نرفته است، اما در برخی مواد قانون مدنی، واژه‌ها و عبارات دیگری که همین مفهوم را می‌رساند، آمده است که مهم‌ترین آن‌ها مواد ۲۲۷ و ۲۲۹ این قانون است. برابر ماده ۲۲۷: «متخلف از انجام تعهد، وقتی محکوم به تأدیة خسارت می‌شود که نتواند ثابت نماید که عدم انجام به واسطه علت خارجی بوده که نمی‌توان مربوط به او نمود». این «علت خارجی» همان قوه قاهره یا تعذر است؛ یعنی اگر اجرای تعهد به واسطه این دست عوامل، ناممکن شود، فرد متعهد محکوم به تأدیة خسارت نخواهد شد و در واقع، بری از مسئولیت خواهد بود. اما اگر نتواند وقوع چنین عاملی را اثبات کند، محکوم به تأدیة خسارت خواهد شد. البته طبق ماده ۲۲۸ ق.م، در صورتی که موضوع تعهد، تأدیة وجه نقدی باشد، حاکم می‌تواند مدیون را به جبران خسارت حاصله از تأخیر در تأدیة دین محکوم نماید.

بر اساس ماده ۲۲۹ نیز «اگر متعهد نتواند تعهد خویش را به واسطه حادثه‌ای که دفع آن خارج از حیطة اقتدار اوست انجام دهد، محکوم به تأدیة خسارت نخواهد شد». این عبارت مشابه عبارت ماده پیش‌گفته است و به حادثه‌ای اشاره دارد که دفع آن خارج از حیطة اقتدار متعهد است. این حادثه همان تعذر است که سبب رفع مسئولیت از متعهد می‌گردد (کاتوزیان، ۱۳۹۳: ۲۰۳).

در این باره که آیا تحریم‌ها را می‌توان تعذر تلقی کرد یا نه؟ باید گفت پاسخ در نظام‌های مختلف حقوقی، متفاوت است. همچنین در شرایط مختلف نیز تفاوت وجود دارد. اگر در زمان انعقاد قرارداد، هیچ‌گونه شرایط تحریمی وجود نداشته و هیچ‌گونه احتمالی داده نمی‌شد که کشور در آینده نزدیک گرفتار چنین شرایطی خواهد شد، می‌توان آغاز چنین تحریم‌هایی را که پروژه را با مشکل اساسی روبه‌رو می‌سازد، از مقوله تعذر دانست، اما اگر در هنگام انعقاد قرارداد، کشور در شرایط تحریمی نسبی قرار داشته و تحریم‌های سخت‌تر و فراگیر محتمل بوده، نمی‌توان این تحریم‌ها را از مقوله تعذر دانست و متعهد را از انجام تعهد مبرا دانست.

البته باید یادآوری کنیم که نظام‌های حقوقی دربارهٔ معافیت فرد از انجام تعهد در اثر تعذر، نظرات متفاوتی دارند. بیشتر نظام‌های حقوقی، بر این باورند که شرایط تعذر، باعث معافیت فرد از انجام تعهد می‌شود.

برایند مطالب پیش‌گفته، این است که تحریم در پاره‌ای از موارد می‌تواند تعذر شمرده شود و تعذر می‌تواند بر ارکان صحت قرارداد و یا بر آثار آن مؤثر باشد.

### ۲.۲.۱. تأثیر تحریم بر اجرای قرارداد در فرض شمول تعذر

تحریم در فرض شمول تعذر، می‌تواند بر اجرای قرارداد تأثیر بگذارد و موجب تعلیق، فسخ و یا انفساخ آن گردد.

### ۲.۲.۳.۱. رفع تکلیف به پرداخت خسارت و انحلال قرارداد

چنانچه تعذر به صورت دایمی اجرای قرارداد را ناممکن سازد، موجب انحلال قرارداد و سقوط تعهد خواهد شد. در این صورت، تعذر موجب برائت متعهد و معافیت او از مسئولیت است و متعهدله نمی‌تواند به علت عدم اجرای قرارداد، مطالبهٔ خسارت کند (مادهٔ ۱۱۴۸ قانون مدنی فرانسه و مادهٔ ۲۲۹ قانون مدنی ایران).

### ۲.۲.۳.۲. تعلیق قرارداد

هرگاه بروز حادثه‌ای که موجب ناممکن شدن اجرای تعهد شده، موقت باشد، تعذر موجب تعلیق قرارداد است و پس از رفع مانع، قرارداد اثر خود را بازمی‌یابد؛ مشروط بر اینکه اجرای آن، فایدهٔ خود را حفظ کرده و منطبق با ارادهٔ طرفین باشد. تشخیص اینکه آیا بعد از انقضای مدت تعلیق، قرارداد فایدهٔ خود را حفظ کرده و اجرای آن با ارادهٔ طرفین سازگار است یا خیر، با دادگاه است و چنانچه دادگاه تشخیص دهد که ماهیت قرارداد به کلی دگرگون شده و اجرای آن برخلاف ارادهٔ مشترک طرفین در زمان وقوع عقد است، حکم به انحلال آن خواهد داد.

به‌هرحال، در صورت تعلیق قرارداد به علت تعذر، متعهد مسئول خسارات ناشی از عدم اجرا یا تأخیر در اجرا در مدت تعلیق نخواهد بود؛ چنانکه دیوان داوری دربارهٔ ایران و ایالات متحده در رأی شمارهٔ ۲۴-۴۹-۲ مورخ ۵ مرداد ۱۳۶۲ بدان تصریح کرده است. به طور کلی، یکی از آثار تعذر، برائت و عدم مسئولیت متعهد است و در آنجا که قرارداد به علت تعذر اجرا نشده یا در اجرای آن تأخیری روی داده باشد، متعهدله نمی‌تواند بدین سبب مطالبهٔ خسارت کند.

### ۲.۲.۳. تأثیر تحریمی بر اجرای قرارداد در فرض عدم شمول تعذر

در فرضی که تحریم، تعذر شمرده نشود و اثری بر قرارداد نداشته باشد، طرفین مکلف به انجام تعهدات خود هستند؛ زیرا وجود تعذر است که طرفین را از انجام تعهد معاف می‌کند. از این رو، وقتی موردی برای معافیت طرفین وجود نداشته باشد، ملزم به انجام تعهد هستند؛ هرچند با دشواری و تعسر همراه باشد. در غیراین صورت، نقض قرارداد رخ داده و طرف ناقض قرارداد باید خسارت طرف مقابل را جبران کند. بنابراین، از آنجاکه در شرایط کنونی، اعمال تحریم‌های گسترده‌تر علیه ایران قابل پیش‌بینی به نظر می‌رسد، نباید تحریم را جزء مصادیق تعذر قرار دهیم، بلکه باید آن را ریسک قراردادی در نظر بگیریم. البته توزیع این ریسک در مورد طرفین، باید عادلانه و منصفانه باشد؛ به گونه‌ای که هیچ‌یک از طرفین، قربانی نشود. پس، در فرضی که تحریم جزء تعذر نیست و در حوادث غیرقابل کنترل و در فرض نبود جایگزین، امکان الزام به انجام تعهد، به دلیل عسروخرج برداشته می‌شود. از این رو، استناد به نقض قراردادی امکان‌پذیر نخواهد بود. بنابراین، باید از طریق عقیم شدن قرارداد، یا عدم امکان اجرا، یا دشواری و یا تغییر بنیادین اوضاع و احوال، راه‌حل حقوقی را بیابیم (ابراهیمی، ۱۳۹۱: ۵-۶).

درواقع، آنچه در اینجا متصور است، این است که وضع طرفین در هنگام انعقاد قرارداد از دو حالت خارج نیست:

حالت اول) طرفین هنگام انعقاد قرارداد، بندها و شروطی در آن بگنجانند مبنی بر اینکه هرگونه افزایش یا کاهش قیمت یا هرگونه مشکلی در راستای قرارداد ایجاد شود، موجب سقوط تکلیف از طرفین قرارداد نمی‌شود. در این حالت طبق این شرط در صورت بروز هرگونه مشکل، طرفین باید تکلیف خود را به بهترین صورت انجام دهند.

حالت دوم) اگر طرفین هنگام انعقاد قرارداد سکوت کنند، اما با توجه به عرف قراردادی از افزایش و کاهش قیمت یا مشکلاتی که در طول اجرای قرارداد پیش می‌آید، آگاه باشند، همانند حالت اول، هیچ‌کدام حق ندارند در راستای قرارداد از خود سلب مسئولیت کنند؛ مگر اینکه مورد پیش‌آمده تعذری باشد که موجب عسروخرج شده و قابل پیش‌بینی نیست که در این صورت، طرفین برای مغبون نشدن، به مراجع صالح مراجعه می‌کنند.

با توجه به اینکه در قانون ما راه‌حل دقیقی در زمینه تعدیل فضایی قراردادهای نفتی دیده نمی‌شود، معمولاً قضات در چنین مواردی دو طرف معامله را به مصالحه فرامی‌خوانند و قراردادی اصلاحی میان طرفین منعقد می‌کنند تا توازن قرارداد حفظ شود. در واقع، ما در چنین مواردی دچار خلأ قانونی هستیم و قضات در این زمینه رویکرد حرفه‌ای و واحدی ندارند.

بنابراین، به نظر می‌رسد راه‌حل حقوقی کارگشا، این است که طرفین هنگام انعقاد قرارداد، بندها و شروطی را به شکل مدون و مشخص تدوین کنند تا حیطه مسئولیت آن‌ها به روشنی مشخص باشد و هرکدام به اجرای مسئولیت خود ملزم و پایبند باشد.

### ۳.۲. مزایای تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی

پس از پاسخگویی به پرسش نخست، اکنون این پرسش به ذهن می‌رسد که در صورت تعدیل قضایی، این تعدیل به نفع چه کسی انجام می‌شود؟ پیمانکار یا کارفرما؟ قراردادهای تابع زمان انعقاد هستند. در زمان انعقاد ایجاب و قبول محقق می‌شود. اگر طرفین مغبون شده باشند و یا شرایط مقرر در قرارداد محقق نشود، طرفین حق فسخ خواهند داشت. البته اثبات تعدیل قضایی در قراردادهای پیمانکاری، دشوار است. عوامل و حوادثی که در طول اجرای قرارداد محقق شود، صرفاً می‌تواند به طرف ذی‌نفع، بر فرض اثبات دلایل قانونی و قراردادی، حق فسخ دهد.

قانون‌گذار هرگز چیزی به عنوان تورم را پیش‌بینی نکرده است؛ حتی خسارت تأخیر تأدیة مقرر در ماده ۵۲۲ ق.آ.د.م نیز خسارت تأخیر تأدیة نیست، بلکه خسارت کاهش ارزش پول است. اکنون فرض کنید در یک قرارداد EPC به جای اینکه پیمان در مدت مقرر به اتمام برسد، با یک سال تأخیر انجام شود؛ در این صورت: اولاً، کارفرما پروژه خود را با یک سال تأخیر دریافت کرده است؛ یعنی یک سال از منافی که می‌توانسته از آن بهره‌برد، بی‌نصیب شده است؛ برای مثال، نفتی را که یک سال می‌بایست در مخازن در دست ساخت ذخیره کند، در نفت‌کش‌ها به اجاره داده و متحمل خسارت شده است. تعدیل قضایی به چه معناست؟ به این معنا که حاکم شرایط قراردادهای طرفین را با توجه به شرایط مستحدثه تغییر دهد؟ در صورت تعدیل قضایی، این تعدیل به نفع چه کسی انجام می‌شود؟ پیمانکار یا کارفرما؟

تحریم اثر یک تحریم سیاسی بین‌المللی یا یک کشور ثالث است که اثر مستقیم آن، عدم امکان ورود کالا، انتقال پول و غیره است و اثر غیرمستقیم آن، گرانی داخل کشور یا به بیان دقیق‌تر، کاهش ارزش پول است. این کاهش ارزش پول، منجر به این شده است که پیمانکار نتواند پروژه را با رقم قراردادی به اتمام رساند. در چنین وضعیتی، چه راهکاری برای پیمانکار یا کارفرما وجود دارد؟

از آنجاکه قراردادهای پیمانکاری نفت در قالب شرایط عمومی منتشره از طرف سازمان برنامه است و استفاده از آن برای کلیه دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی الزام‌آور است، در آن شرایطی برای فسخ، خاتمه و تعلیق در نظر گرفته شده است. در واقع، می‌توان گفت این قالب قراردادی در حکم قانون است. به نظر می‌رسد نخست باید قالب‌های همسان قراردادهای

پیمانکاری بررسی شود و اگر قالب مذکور از این حیث کامل نباشد، اصول و قوانین حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. به تازگی شرکت ملی نفت نیز قالبی همسان برای قراردادهای EPC ابلاغ کرده که برای شرکت‌های تابعه الزام‌آور است.

#### ۴.۲. تعدیل قضایی در دیگر کشورهای دارای میادین نفتی

آنچه مهم می‌نماید این است که با توجه به ضمان‌آوری و قابل جبران بودن ارزش نفت، دیگر کشورهای دارای میادین نفتی هنگام بروز چنین مسائلی از چه راهی برای حل مسئله استفاده می‌کنند؟ آیا مانند کشور ایران، راه تعدیل قضایی را انتخاب نموده و ماهیت قراردادهای خود را حفظ می‌کنند یا برای حل مشکل قراردادی خود، راه دیگری را برمی‌گزینند؟

نمونه‌ای از تعدیل قضایی را می‌توان در قرارداد نفتی میان شرکت شل و شرکت نفتی کلمبیا ذکر کرد که قرارداد بیست ساله تأمین سوخت بین آن‌ها منعقد شد. خریدار و تأمین‌کننده، با توجه به افزایش احتمالی قیمت، بر قیمت پایه توافق کردند. هزینه‌های تولید توافق‌نامه در ابتدا برای هر دو طرف رضایت‌بخش بود؛ سپس به دلیل اتفاقی پیش‌بینی نشده، مانند تحریم نفت یا بالا رفتن تورم، هزینه‌ها به طرز چشمگیری افزایش یافت و از مقررات تنظیم قیمت پیشی گرفت. از آنجا که ادامه عملکرد به ضررهای اساسی می‌انجامید، تأمین‌کننده، تعدیل فرمول قیمت را پیشنهاد کرد و خریدار از آن امتناع ورزید. اما آنچه دادگاه به عنوان نخستین و بهترین روش از آن استفاده کرد، همان رویکرد تعدیل قضایی بود؛ زیرا شرایط در این حالت به گونه‌ای بود که طرفین به سادگی قادر به تعیین خطر وقوع یک رویداد فاجعه‌بار نبودند. از طرفی، تأمین‌کننده از عملکرد مداوم آسیب فراوانی می‌دید، اما خریدار از نظر مادی به آن عملکرد اعتماد کرده بود. در این حالت دادگاه سیاست تعدیل را پیش گرفت و در نتیجه، هم تأمین‌کننده دست‌کم به نوعی از تخفیف برخوردار شد و هم دادگاه ابزار کافی برای شکل دادن به تخفیف مناسب را داشت. بنابراین، می‌توان گفت تعدیل دادگاه در آن شرایط محدود اما متمایز، سیاست خوبی بود (هیلمن، ۱۹۸۷: ۲۲).

از آنچه بررسی شد، می‌توان دریافت که سیاست دیگر کشورهای دارای میادین نفتی نیز همچون کشور ما، همان سیاست تعدیل است که به عنوان نخستین و بهترین روش از آن بهره می‌برند.

## نتیجه

ویژگی اصلی قراردادهای مستمر آن است که میان زمان انعقاد قرارداد تا زمان تکمیل اجرای آن، فاصله زیادی وجود دارد. از طرفی، شرایط و اوضاع و احوال موجود هنگام انعقاد قرارداد تا پایان ثابت نمی‌ماند؛ بنابراین، در موارد بسیاری دیده می‌شود که بروز حوادث پیش‌بینی نشده در روند اجرای قرارداد، باعث به هم خوردن تعادل و توازن اقتصادی آن می‌شود؛ به گونه‌ای که اجرای دقیق مفاد آن به متضرر شدن یکی از طرفین و در مقابل، سود سرشار طرف دیگر می‌انجامد. در چنین مواردی، بحث امکان و چگونگی متعادل ساختن نظم به هم خورده قرارداد و به اصطلاح تعدیل مفاد قرارداد مطرح می‌شود. در نظام حقوقی ایران، نویسندگان حقوقی‌ای که مسئله تعدیل قرارداد را بررسی کرده‌اند، به چند قاعده یا نظریه در توجیه این امر استناد نموده‌اند که عبارت‌اند از: نظریه شرط ضمنی، غبن حادث، قاعده نفی عسرو حرج و قاعده میسور. با بررسی‌های انجام شده در این مقاله، اثبات شد که شرط ضمنی از آن جهت که توجیه مناسبی برای تعدیل قرارداد در حقوق ما به‌شمار نمی‌رود، مستند تعدیل قرارداد واقع نمی‌شود. همچنین با بررسی نظریه غبن حادث نیز مشخص شد که نتیجه این نظریه صرفاً دادن حق فسخ به زیان‌دیده است، نه تعدیل قرارداد. قاعده نفی عسرو حرج نیز هرچند نسبت به نظریه شرط ضمنی و غبن حادث، توان بالاتری در توجیه تعدیل قضایی دارد، بیشتر فقها جنبه اثباتی آن را نپذیرفته‌اند و در نتیجه، استناد به این قاعده از باب تعدیل با مشکلات پرشماری همراه است. بنابراین، از میان قواعد مذکور، تنها قاعده میسور است که استناد به آن با اصل لزوم قرارداد منافاتی ندارد؛ زیرا اجازه فسخ قرارداد را به متعهد نمی‌دهد، بلکه او را ملزم می‌سازد تا به قدر توانش به تعهد عمل کند. تشخیص میزان توان متعهد در اجرای قرارداد نیز با دادرسی است تا با در نظر گرفتن شرایط زمان و مکان قرارداد و اجرای آن و همچنین با لحاظ وضعیت متعهد و متعهدله، قرارداد را بازبینی و به تعدیل آن حکم کند. بنابراین، قاعده میسور به عنوان مبنای تعدیل در حقوق ایران مطرح می‌شود.

در پاسخ به این پرسش که آیا امکان تعدیل قضایی قراردادهای پیمانکاری نفتی در شرایط اعمال تحریم‌ها در ایران وجود دارد؟ باید گفت با توجه به تقسیم قراردادهای نفتی به قراردادهای بالادستی و پایین‌دستی، در قراردادهای بالادستی پیش‌بینی سرمایه‌گذار یا پیمانکار صرفاً مبتنی بر احتمالات است و اگر محقق نشود نمی‌توان هیچ خسارتی را از کارفرما مطالبه کند. پس، به طریق اولی، امکان تعدیل قضایی وجود نخواهد داشت. اما در قراردادهای پیمانکاری پایین‌دستی، دامنه کار مشخص است و هزینه هر نوع فعالیت، اعم از طراحی، خرید و اجرا نیز در قرارداد معین می‌شود. در این بحث، امکان تعدیل قضایی قرارداد وجود خواهد داشت؛ زیرا ما با عقدی مغایه‌ای روبه‌رو هستیم و عوضین آن مشخص است.

جایگاه تحریم در تعدیل قراردادهای نفتی، در واقع بر این اساس است که تحریم را تعذر بدانیم یا خیر؟ اگر در زمان انعقاد قرارداد، هیچ‌گونه شرایط تحریمی وجود نداشته و هیچ‌گونه احتمالی داده نمی‌شد که کشور در آینده نزدیک گرفتار چنین شرایطی خواهد شد، می‌توان آغاز چنین تحریم‌هایی را که پروژه را با مشکل اساسی روبه‌رو می‌سازد، از مقوله تعذر دانست، اما اگر در هنگام انعقاد قرارداد، کشور در شرایط تحریمی نسبی قرار داشته و تحریم‌های سخت‌تر و فراگیر محتمل بوده، نمی‌توان این تحریم‌ها را از مقوله تعذر دانست و متعهد را از انجام تعهد مبرا دانست. تحریم در فرض شمول تعذر، می‌تواند بر اجرای قرارداد تأثیر بگذارد و موجب تعلیق، فسخ و یا انفساخ آن گردد. در فرضی که تحریم، تعذر شمرده نشود و اثری بر قرارداد نداشته باشد، طرفین مکلف به انجام تعهدات خود هستند؛ زیرا وجود تعذر است که طرفین را از انجام تعهد معاف می‌کند. بنابراین، وقتی موردی برای معافیت طرفین وجود نداشته باشد، ملزم به انجام تعهد هستند؛ هرچند با دشواری و تعسر همراه باشد. در غیراین صورت، نقض قرارداد رخ داده و طرف ناقض قرارداد باید خسارت طرف مقابل را جبران کند.

اثبات تعدیل قضایی در قراردادهای پیمانکاری، دشوار است. از آنجاکه قراردادهای پیمانکاری نفت در قالب شرایط عمومی منتشره از طرف سازمان برنامه است و استفاده از آن برای کلیه دستگاه‌ها و شرکت‌های دولتی الزام‌آور است، در آن شرایطی برای فسخ، خاتمه و تعلیق در نظر گرفته شده است. در واقع، می‌توان گفت این قالب قراردادی در حکم قانون است. به نظر می‌رسد نخست باید قالب‌های همسان قراردادهای پیمانکاری بررسی شود و اگر قالب مذکور از این حیث کامل نباشد، اصول و قوانین حقوقی مورد بررسی قرار گیرد. به‌تازگی شرکت ملی نفت نیز قالبی همسان برای قراردادهای EPC ابلاغ کرده که برای شرکت‌های تابعه الزام‌آور است.

از آنجاکه در قانون ما راه‌حل دقیقی در زمینه تعدیل قضایی قراردادهای نفتی دیده نمی‌شود، معمولاً قضات در چنین مواردی دو طرف معامله را به مصالحه فرامی‌خوانند و قراردادی اصلاحی میان آن‌ها منعقد می‌کنند تا توازن آن حفظ شود. در واقع، ما در چنین مواردی دچار خلأ قانونی هستیم و قضات در این زمینه رویکرد حرفه‌ای و واحدی ندارند.

بنابراین، به نظر می‌رسد راه‌حل حقوقی کارگشا، این است که طرفین هنگام انعقاد قرارداد، بندها و شروطی را به شکل مدون و مشخص تدوین کنند تا حیطه مسئولیت آن‌ها به روشنی مشخص باشد و هرکدام به اجرای مسئولیت خود ملزم و پایبند باشد.



## منابع

### الف) فارسی

۱. ابن منظور، محمد بن مكرم (۱۴۰۵). *لسان العرب*. قم، نشر ادب الحوزه.
۲. ابراهیمی، سید نصرالله؛ اویارحسین، شادی (۱۳۹۱). «آثار تحریم بر اجرای قراردادهای بازرگانی بین‌المللی از منظر فورس‌ماژور». *دوفصلنامه دانش حقوق مدنی*، شماره ۱، ص ۱۸-۲.
۳. اسماعیلی هریسی، ابراهیم (۱۳۹۳). *حقوق مهندسی*. تهران، دادگستر.
۴. الزبیدی، مرتضی (۱۴۱۴). *تاج العروس*. مصحح علی شیری، جلد هفتم، بیروت، دارالفکر.
۵. انصاری، مرتضی (۱۴۱۵). *مکاسب*. جلد پنجم، قم، تراث الشیخ الأعظم.
۶. ایوانز، گراهام؛ نونام، جفری (۱۳۸۱). *فرهنگ روابط بین‌الملل*. ترجمه حمیرا مشیرزاده و حسین شریفی طرازکوهی، چاپ دوم، تهران، نشر میزان.
۷. بیگلری، سعید (۱۳۹۴). *تعدیل قرارداد*. تهران، نشر میزان.
۸. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۰۴). *صالح‌اللغه*. مصحح احمد عبدالغفور عطار، جلد دوم، چاپ سوم، بیروت، دارالعلم للملایین.
۹. دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). *لغت‌نامه*، جلد ۶، ۹ و ۲۲، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۱۰. رحیمی، حبیب‌الله؛ عزیززاده، سعید (۱۳۹۶). «ماهیت و مبنای تعدیل در قراردادهای پیمانکاری در حقوق ایران و فیدیک». *فصلنامه پژوهش حقوق خصوصی*، شماره ۶، ص ۱۷۵-۱۴۷.
۱۱. شفايي، محمدرضا (۱۳۷۶). *بررسی تطبیقی نظریه تغییر اوضاع و احوال در قراردادها*. تهران، نشر ققنوس.
۱۲. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۳۶۴). *تهذیب الأحکام فی شرح المقنعه للشیخ المفید رضوان الله علیه*. مصحح حسن خراسان، جلد چهارم، چاپ چهارم، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۳. ظریف، محمدجواد؛ میرزایی، سعید (۱۳۷۶). «تحریم‌های یک‌جانبه آمریکا علیه ایران». *مجله سیاست خارجی*، شماره ۴۱، ص ۱۰۸-۹۱.
۱۴. قاسم‌زاده، سیدمرتضی (۱۳۸۲). «جواز تفسیر در پوشش تعدیل و منع در پوشش آن». *مدرس*، شماره ۷ (۱)، ص ۱۴۶-۱۳۳.
۱۵. قمی، میرزا ابوالقاسم (۱۳۷۱). *جامع الشتات*. ترجمه مرتضی رضوی، جلد سوم، تهران، مؤسسه کیهان.
۱۶. کاتوزیان، ناصر (۱۳۹۳). *قواعد عمومی قراردادها*. جلد ۱ و ۳، تهران، سهامی انتشار.
۱۷. محمدی، ابوالحسن (۱۳۹۵). *قواعد فقه*. تهران، نشر میزان.
۱۸. مرادی، خدیجه (۱۳۹۲). «تحلیل مبنای تعدیل قضایی در حقوق ایران و فقه امامیه». *مجله تخصصی فقه و مبنای حقوق اسلامی*، شماره ۴۶ (۲)، ص ۳۴۴-۳۲۱.
۱۹. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱). *قواعد الفقهیه*. جلد سوم، قم، منشورات مدرسه الامام امیرالمؤمنین.
۲۰. نجفی، حسن (۱۳۶۲). *جواهرالکلام فی شرح شرایع الاسلام*. مصحح عباس قوچانی، جلد ۲۲، چاپ هفتم، بیروت، دارالحیاء التراث العربی.
۲۱. نوروزی خیابانی، مهدی (۱۳۹۴). *فرهنگ جامع لغات و اصطلاحات سیاسی*. تهران، نشر نی.
۲۲. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۳۷۸). «احکام فقهی ارزش پول». *فصلنامه فقه اهل بیت (ع)*، شماره ۲۷ (۱)، ص ۱۱-۵.

### ب) خارجی

23. Dargahi, Borzou (16 Feb, 2010). "Clinton's offer New Tactic in Iran sanctions". available at: <https://www.tuscaloosaneews.com/article/DA/20100216/News/606110647/TL?template=ampart>
24. Robert A. Hillman (1987). "Court Adjustment of Long-Term Contracts: An Analysis Under Modern Contract Law". *Duke Law Journal*, pp 1-33.